


جرایم کلاهبرداری در حقوق جزای ایران (با نگاه ویژه به کلاهبرداری ارز دیجیتال)

محمد ناصری  دانشجوی کارشناسی رشته حقوق، دانشگاه آزاد واحد الکترونیک، تهران، ایران

چکیده:

بررسی جرم کلاهبرداری در قانون مجازات اسلامی کلاهبرداری به معنای بردن مال دیگری از طریق توسل توأم با سوءنیت به عملیات یا وسایل متقلبانه است و کلاهبردار نیز فردی است که با فریب طعمه خود به شکار مال او می پردازد و برای فریب دادن او، حیللهایی را به کار می بندد. کلاهبرداری به معنای بردن مال دیگری از طریق توسل توأم با سوءنیت به عملیات یا وسایل متقلبانه است و کلاهبردار نیز فردی است که با فریب طعمه خود به شکار مال او می پردازد و برای فریب دادن او، حیللهایی را به کار می بندد. کلاهبردار با انجام مانور متقلبانه، صحنه سازی و پشت هم اندازی موجب اغفال طرف مقابل می شود و به واسطه اغفال مالک می تواند مال او را در اختیار خود بگیرد. از این نظر است که در کلاهبرداری مجنی علیه یعنی فردی که مورد کلاهبرداری واقع شده است، مال خود را با رضایت در اختیار کلاهبردار قرار می دهد و این وجه متمایزکننده این جرم از سایر جرایم علیه اموال است. در این پژوهش به بررسی جرایم کلاه برداری در حقوق جزای ایران و (با نگاه ویژه به کلاهبرداری ارز دیجیتال) پرداخته شد. در زمینه جرایم ارز دیجیتال نیز کلاهبرداری با ارز دیجیتال فرآیند پیچیده سوء استفاده از افراد یا سازمان ها به منظور سرقت دارایی های ارزشمند آنهاست. بسته به نوع کلاهبرداری، این دارایی ها می تواند شامل پول، ارز دیجیتال، کلیدهای خصوصی یا قدرت محاسباتی دستگاه های کاربران باشد. کلاهبرداری در بازار ارزهای دیجیتال بیداد می کند.

کلیدواژگان: مباشرت، جرایم ارزی، کلاهبرداری، ارز دیجیتال

مقدمه

جرم کلاهبرداری از جمله جرایم کیفری است که مصادیق متعددی دارد، و عناصر مختلفی باید در کنار یکدیگر جمع شود تا بتوان گفت جرم محقق شده است. معاونت در جرم کلاهبرداری نیز شروط مختلفی داشته، و پرونده های کیفری که با عنوان معاونت جرم کلاهبرداری تشکیل می شود، نیاز به ارزیابی دقیق حقوقی دارند. بنابر ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام سال ۱۳۶۷، کلاهبرداری به دو شکل ساده و مشدد بیان شده است و در کنار مجازات اصلی کلاهبرداری، مجازات تکمیلی نیز به دو صورت اختیاری و اجباری در قانون مجازات اسلامی ماده ۱۹ و حالت اجباری آن در همان ماده ۱ قانون فوق الذکر در نظر گرفته شده است. همچنین مجازات تبعی مذکور در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی گنجانده شده است. مطالعه تطبیقی مجازات کلاهبرداری میان ایران و فرانسه با توجه به قرابت های نظام های حقوقی این دو کشور که در مفهومی عام جزء نظام های حقوق نوشته قرار می گیرند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۹) مفید به نظر می رسد، به خصوص از آن جهت که پیروی آن ها را از دو دیدگاه عینی و ذهنی در مجازات مرتکبین کلاهبرداری، نوع مجازات، کیفیت و کمیت مجازات و انواع مجازات ها اعم از اصلی و تکمیلی و تبعی و برخورد دوگانه ایشان با شروع به جرم و مجازات معاون کلاهبردار می تواند، در فهم بهتر تأسیسات کیفری و استفاده از نقاط قوت و پوشاندن نقاط ضعف در قانون گذاری راهگشا باشد.

آنچه در خصوص این ماده قابل ذکر است، آن است، که مطابق ماده ۱۱۶ قانون تعزیرات جرم کلاهبرداری ماده به «حبس از شش ماه تا سه سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود». پیداست که با توجه به ضروریات و مصالح اجتماعی در تشدید مجازات های کلاهبرداری، ارتشاء و اختلاس، در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۷ مجازات کلاهبرداری ساده، از شدت بیشتری برخوردار است. نکته دیگر آن که تناسب بهتری در مجازات ماده تشدید نسبت به ماده ۱۱۶ قانون تعزیرات وجود دارد. چرا که در قانون تعزیرات، کلاهبردار ساده به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود. اما در قانون تشدید، اصل رعایت تناسب بزه با کیفر که مورد تأکید «بکاریا» در تعیین مجازات ها بوده است بیشتر تأمین می شود. «موانعی که انسان ها را از ارتکاب جرایم باز می دارد باید به همان اندازه که این جرایم مغایر با منافع عمومی است و به آن شدیدتر صدمه می رساند، قوی باشد. بکاریا بدون هیچ بحثی «کیفرهای نقدی» را می پذیرد. «زیرا کسی که در جستجوی ثروت اندوزی با اموال دیگری است، باید شاهد کم و ناچیز شدن اموال خویش باشد، به این ترتیب بکاریا بین ماهیت بدی ناشی از بزه و ماهیت کیفر رابطه منطقی برقرار می سازد. ماهیت مجازات باید تا آن جا که میسر است، به بزه نزدیک باشد، به طوری که اندیشه بزه بلافاصله اندیشه کیفر را در ذهن فرد متداعی کند.» (ژان پرادل، ۱۳۸۱، صص ۵۰-۴۶)

امروزه رشد چشمگیر ارزش‌های دیجیتال، باعث شده است که توجه زیادی به این پدیده جلب شود. در این میان بررسی حقوقی این مسیله و نحوه سیاست‌گذاری قانون‌گذاران کشورها نیز تبدیل به یکی از دغدغه‌های پژوهشگران این حوزه شده است. سیستم‌های ارزش دیجیتال از شبکه‌های محاسباتی توزیع امن که رمزنگاری شده‌اند استفاده می‌کنند تا ارزش اقتصادی را مبادله و از تعداد بیشتری از برنامه‌های کاربردی (اپلیکیشن‌ها) پشتیبانی کنند. ماهیت این سیستم عامل‌های محاسباتی و قلمرو برنامه‌های کاربردی (اپلیکیشن‌های) آن، مسائل مهمی در زمینه انطباق با قانون ایجاد می‌کند. بسیاری از حوزه‌های قضایی در سراسر دنیا در حال بررسی این موضوع هستند که سیستم‌های ارزش دیجیتال تا چه میزان تحت تأثیر قوانین و مقررات موجود هستند و برای پاسخگویی به رشد پول‌های دیجیتال، چه میزان از قوانین و مقررات موجود باید اصلاح شوند یا قوانین جدید وضع گردد. با این حال، در حال حاضر روشن است که فعلاً در عالم واقع در هر حوزه قضایی طیف متنوعی از قوانین و مقررات قابل اعمال بر پول‌های دیجیتال و برنامه‌های کاربردی (اپلیکیشن‌های) آن وجود دارد. در این شرایط، توسعه دهندگان، توزیع کنندگان و کاربران پول‌های دیجیتال و سیستم‌های مرتبط با آن، در حال حاضر با مسائل مهم مربوط به انطباق با قانون مواجه هستند. شناخت این الزامات قانونی موجود و بالقوه برای استفاده موفقیت‌آمیز از سیستم عامل‌های ارزش دیجیتال و برنامه‌های کاربردی (اپلیکیشن‌های) آن ضروری است (کناری زاده، ۱۳۹۷)

مفهوم ارز!

ارز، از دیدگاه لغوی، اصطلاحی و قانونی، مفاهیم مختلفی دارد؛ ارز از نظر لغوی به معنی بها، نرخ، قدر و قیمت، از مصدر ارزیدن است (عمید، ۱۳۵۸: ۱۰۳). و از نظر اصطلاحی پول رایج کشورهای خارجی است که در نظام بانکی کشور ما مورد تأیید و دادوستد قرار می‌گیرد، اعم از اسکناس مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسنادی که در مبادلات مالی کاربرد دارد (ساک، ۱۳۹۰: ۵۵). و بند «پ» ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ در خصوص مفهوم قانونی بیان می‌دارد: «ارز: پول رایج کشورهای خارجی، اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی است که در مبادلات مالی کاربرد دارد.» نیز مؤید همین موضوع است.

مفهوم قاچاق ارز!

هدف نهایی از ارتکاب جرایم ارزی در حوزه نظام بانکی کسب سود و منفعت مالی گسترده برای مجرمین اقتصادی است که با انجام عملیات مجرمانه در نهایت موفق به خروج غیرقانونی ارز از سیکل قانونی سیستم اقتصادی یا همان سیاست‌های قانونی بانک مرکزی

^۱Exchange

^۲Exchange Smuggling

می‌شوند که قانون‌گذار این قبیل اعمال را در ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ گنجانده است. در کنار قاچاق ارز موضوعی به نام تخلف ارزی وجود دارد که از منظر قانون‌گذار تخلف بوده و در همان سطح با آن برخورد خواهد شد. قاچاق از نظر لغوی کلمه‌ای ترکی و به معنی تردستی و کاری است که پنهانی و با تردستی انجام می‌شود (عمید، ۱۳۵۸: ۷۸۴) و از نظر اصطلاحی قاچاق عبارت است از واردات و صادرات کالا و هر چیزی که به موجب قانون واردات و صادرات آن ممنوع یا در انحصار دولت است یا بدون تشریفات و مقررات قانونی و پرداخت عوارض و حقوق گمرکی وارد یا صادر شده باشد. خرید و فروش و نگهداری این کالا در مواردی که قانون صریحاً بیان داشته است نیز در حکم قاچاق است (ساک، ۱۳۹۰: ۲۲).

به طور کلی قاچاق ارز، عبارت است از اقدام به خارج نمودن ارز از کشور یا حواله کردن آن به خارج کشور و همچنین اقدام به خرید و فروش ارز و حمل و حواله آن برای خروج از کشور، خارج از سیستم بانکی و صرافی‌های مجاز و بدون رعایت مقررات بانک مرکزی (ساک، ۱۳۹۰: ۲۲). البته با توجه به بند «خ» ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: «عدم رعایت ضوابط تعیین شده از سوی دولت یا نداشتن مجوزهای لازم از بانک مرکزی برای ورود، خروج، خرید، فروش یا حواله ارز»، ورود ارز بدون رعایت ضوابط معین توسط دولت و بدون مجوزهای لازم از بانک مرکزی در زمره قاچاق قرار گرفته و حمل ارز از این جرایم خارج شده است.

عناصر تشکیل دهنده جرم کلاهبرداری

برای تفکیک کلاهبرداری از سایر جرائم علیه اموال و مالکیت، شناخت عناصر تشکیل دهنده آن ضروری است. تعدادی از عناوین مجرمانه مانند سرقت و خیانت در امانت، با کلاهبرداری وجوه مشترکی دارند و برای تمییز یکی آن‌ها از دیگری باید عناصر و ویژگی‌های خاص هر کدام را شناخت.

هر جرم از سه عنصر؛ قانونی، مادی و روانی تشکیل می‌شود و برای محکوم شدن متهم به ارتکاب جرم، باید کلیه اجزای این عناصر توسط مرجع تعقیب اثبات شود.

۱- عنصر قانونی

در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و ماده ۲۳۸ آن که برگرفته از ماده ۴۰۵ قانون جزای فرانسه بود، به جرم کلاهبرداری اختصاص داشته و برای مرتکبان به این جرم مجازات خاصی معین شده بود، پس از آن و با گسترش روزافزون جرم کلاهبرداری و استفاده کلاهبرداران از وسایل ارتباط جمعی جدید، از قبیل رادیو، تلویزیون و مطبوعات و همچنین به پیروی از قانون‌گذار فرانسه که در سال‌های بعد کیفیات مشدد ای را به ماده ۴۰۵ مذکور افزوده بود، قانون‌گذار وقت ایران، ضمن "ماده واحده راجع به قانون اصلاح قانون تشکیل دیوان کیفر و بعضی از مواد قانون مجازات عمومی و الحاق چهار ماده به

قانون مجازات عمومی " مصوب ۱۳۵۵، ضمن اصلاح ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی، مجازات جرم کلاهبرداری را افزایش داد.

پس از پیروزی انقلاب و استمرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، مفاد ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی، با اندکی تغییرات عبارتی و نیز تغییراتی از نظر ماهیت و میزان مجازات، در ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) که در مرداد ۱۳۶۲ به تصویب کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی رسید، گنجانیده شد. پس از آن به دلیل رشد روزافزون جرم کلاهبرداری و ارتکاب چند فقره کلاهبرداری بزرگ و پرسروصدا در کشور، قانون‌گذار به فکر تشدید مجازات این جرم افتاد و متعاقب آن "قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری" در سال ۱۳۶۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به دلیل ایرادات شورای نگهبان، در سال ۱۳۶۷ با اصلاحاتی از تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام گذشت. در حال حاضر عنصر قانونی جرم کلاهبرداری در حقوق ایران ماده ۱ این قانون و دو تبصره آن می‌باشند که ناسخ قوانین قبلی نیز هستند.

۲- عنصر مادی

عنصر مادی جرم کلاهبرداری دارای اجزای مختلفی به شرح زیر است:

۱. رفتار مادی فیزیکی

رفتار مجرمانه مرتکب در جرم کلاهبرداری باید به شکل فعل مثبت باشد و ترک فعل حتی اگر توأم با سوءنیت بوده و موجب اغفال طرف مقابل و ورود ضرر به وی شود، هیچ‌گاه نمی‌تواند عنصر مادی جرم کلاهبرداری را تشکیل دهد.

۲. اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم کلاهبرداری

از میان تمامی شرایطی که وجود آنها برای تحقق جرم کلاهبرداری ضروری است، سه شرط مهم وجود دارند که عبارت‌اند از:

الف) متقلبانه بودن وسایلی که کلاهبردار از آنها برای اغفال دیگری استفاده می‌کند: لزوم متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاهبرداری از قسمت صدر ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، استنباط می‌شود. در این قانون پس از ذکر نمونه‌هایی از وسایل متقلبانه، به ذکر عبارت "به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر ... مال دیگری را ببرد" به وضوح روشن کرده است که برشمردن برخی از وسایل تقلبی در ماده از باب تمثیل بوده و نباید حصری تلقی شوند.

نمونه‌های ذکر شده در این قانون:

۱- فریب دادن مردم به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم

۲- فریب دادن مردم به داشتن اموال و اختیارات واهی

۳- امیدوار کردن مردم به امور غیر واقع

۴- ترساندن مردم از حوادث و پیش آمده‌ای غیر واقع

۵- اختیار اسم یا عنوان مجعول

۶- وسایل تقلبی دیگر (استفاده از هرگونه وسیله‌ای که عرفاً وسیله متقلبانه محسوب می‌گردد، از قبیل؛ ایجاد تصادف یا حادثه ساختگی و گرفتن پول از شرکت بیمه، دایر کردن مطب مجلل و ظاهر فریب برای تظاهر به اشتغال به امر پزشکی، فروش جواهرات بدلی به جای جواهرات اصلی و...

ضابطه‌ای که برای احراز شرط متقلبانه بودن ... اعمال می‌شود، یک ضابطه نوعی است و وسایل مورد استفاده کلاهبردار، باید به گونه‌ای باشد که بر اساس قضاوت عرف، متقلبانه محسوب گردد.

ب) اغفال شدن و فریب خوردن قربانی که مستلزم عدم آگاهی وی نسبت به متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده مجرم می‌باشد:

قربانی جرم باید مال را با رضایت، اما در نتیجه گول خوردن، در اختیار مجرم قرار دهد، این شرط مجزا از شرط لزوم متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاهبرداری می‌باشد که باید عرفاً متقلبانه محسوب گردد، علاوه بر آن، قربانی جرم هم باید عملاً فریب خورده و مالش را با رضایت خود در اختیار کلاهبردار قرار دهد. لازمه اغفال و فریب قربانی، عدم آگاهی او نسبت به متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاهبرداری است. برای احراز شرط اغفال شدن و فریب خوردن ... ضابطه‌ی تشخیص، معیار شخصی می‌باشد و شخص مورد نظر باید عملاً گول بخورد.

صرف متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده شخص، در صورت گول نخوردن قربانی و یا صرف فریب خوردن قربانی، در صورتی که عرفاً، وصف متقلبانه را برای وسایل و عملیات مورد استفاده طرف مقابل قائل نباشد، برای تحقق جرم کلاهبرداری کفایت نمی‌کند.

ج) تعلق مال برده شده به دیگری.

در کلاهبرداری نیز، مانند سایر جرائم علیه اموال، تعلق مال برده شده، اعم از منقول با غیر منقول به دیگری، شرط تحقق جرم است.

۳- نتیجه حاصله

کلاهبرداری از جمله جرائم مقید است که شرط تحقق آن، حصول نتیجه خاصی می‌باشد. بنا به تصریح قانون‌گذار، نتیجه‌ای که برای تحقق جرم کلاهبرداری لازم می‌باشد، عبارت از "بردن مال دیگری" است.

نکته: ضرر حاصل از کلاهبرداری باید حتماً مالی باشد نه غیرمالی، بنابراین اگر کسی با توسل به وسایل متقلبانه، موجب بی‌آبرو شدن دیگری و کسب شهرت و آبرو برای خود گردد، مرتکب جرم کلاهبرداری نشده است.

ساختار نظام ارزی

اقتصاد جهانی دارای دو نظام نرخ ثابت و نرخ شناور می‌باشد که تغییر ساختار، از سمت نظام نرخ ثابت به سوی نظام نرخ شناور در حرکت می‌باشد؛ ساختارهای مارالذکر، باعث شناسایی بهتر جرایم ارزی و نظام ارزی در کشورهای مختلف، از جمله ایران می‌باشد که ذیلاً به بررسی و تحلیل آن خواهیم پرداخت. (نیازپور، ۱۳۹۳ ص ۱)

نظام نرخ‌های ثابت ارز^۱

تا قبل از جنگ جهانی اول عمده پول‌های جهان به صورت طلا یا نقره و یا با ارزهای قابل تبدیل به طلا و نقره تعریف می‌شدند که از آن به عنوان نظام «پایه طلا» نیز نام برده می‌شد و در این نظام، پیدایش کسری در موازنه پرداخت‌های یک کشور، منجر به خرج طلا از آن کشور می‌شود که با شروع جنگ جهانی اول نظام پایه طلا به تدریج در اوج فروپاشی قرار گرفت؛ کشورهای متخاصم برای تأمین مخارج جنگی دست به انتشار حجم وسیعی از اسکناس‌ها زدند که به طبع قابلیت تبدیل به طلا را نداشت و در نتیجه تبدیل‌پذیری ارزها به طلا و ممنوعیت خروج طلا، خود در این دوران به معنای پایان عمر نظام پایه طلا بود و با وقوع رکود بزرگ در پایان دهه ۱۹۲۰ و متعاقب آن جنگ جهانی دوم اقتصاددانان دولت‌های بزرگ به دنبال یک راهکار اساسی برای سیستم مبادلات بین‌المللی بودند که در سال ۱۹۴۴ این تفکر به عینیت تبدیل شد و نظام پولی جدید بین‌المللی تحت عنوان نظام «برتون وودز» مورد تصویب قرار گرفت و صندوق بین‌المللی پول افتتاح شد و کشورهای عضو موظف به تعریف پول خود برحسب رابطه طلا و دلار گردیدند. (نیازپور، ۱۳۸۹ ص ۱۴)

نظام نرخ‌های ارز شناور

در نقطه مقابل نظام نرخ‌های ثابت ارز، به لحاظ ثبات نرخ برابری، نظام ارزهای شناور قرار دارد. در این نظام، نرخ‌های برابری نه تابع ارتباط پول‌های مختلف با طلا است و نه بر اساس توافق و قرارداد میان دولت‌ها تعیین می‌شود بلکه در این نظام، تعیین نرخ‌های برابری بر اساس نیروهای بازار (یعنی عرضه و تقاضا) برای پول‌های مختلف صورت می‌گیرد؛ برای مثال در این سیستم هرگاه تقاضا برای پول کشوری کمتر از عرضه آن پول باشد، قیمت آن پول کاهش و در مقابل هرگاه تقاضا برای پول آن کشور از عرضه آن بیشتر باشد، قیمت آن پول افزایش خواهد یافت. پس به طور کلی باید گفت که در نظام نرخ شناور ارز، دولت هیچ مداخله‌ای در بازار ارز نمی‌نماید و مکانیسم بازار، تعیین‌کننده نرخ ارز خواهد بود و خود به خود، تعادل در تراز پرداخت‌های خارجی به دست خواهد آمد. در ایران تا قبل از یکسان‌سازی نرخ ارز یا همان تک‌نرخ شدن ارز، سه نرخ ارز رسمی، ارز پایه رقابتی و

^۱Fixed Exchange Rate System
^۲Berrton Woods

ارز شناور در نظام بانکی و بازار موازی ارز در خارج از نظام بانکی وجود داشت. نرخ ارز پایه برای درآمدهای حاصل از صادرات نفت و واردات و... نرخ رقابتی برای کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای که واجد شرایط استفاده از نرخ رسمی نبودند و نرخ ارز شناور نیز در مورد بقیه معاملات در نظام بانکی اعمال می‌شد و این رویه و اختلاف فاحش نرخ ارزهای تخصیصی برای امور مربوطه با قیمت ارز در بازار آزاد باعث می‌گردید افراد سودجو با تقلب و استفاده از شیوه‌هایی مثل انجام معاملات ساختگی واردات، ثبت شرکت‌های صوری و تهیه صورت‌حساب‌های غیرواقعی نسبت به جذب و اخذ ارزهای به اصطلاح دولتی اقدام و برخلاف هدف و مسیر در نظر گرفته شده، ارز حاصله را در بازار آزاد عرضه می‌نمودند (ساک، ۱۳۹۰: ۵۷). تلاش‌ها برای یکسان‌سازی نرخ ارز خصوصاً نرخ ارز در داخل و خارج از نظام بانکی در دولت‌های قبل، صورت گرفته و البته موضوع مهم و چالش‌برانگیز در کنار تمامی اقدامات بحث شرایط تحریم اقتصادی کشور می‌باشد که خود یکی از عوامل مهم جلوگیری از رسیدن به نظام تک‌نرخی شدن نرخ ارز می‌باشد. از طرفی، سیاست‌های ارزی دولت در سال ۱۳۹۳ بر مبنای کاهش نوسانات نرخ ارز، حفظ رقابت‌پذیری بنگاه‌های داخلی در مقابل بنگاه‌های خارجی، زمینه‌سازی برای اجرای برنامه یکسان‌سازی نرخ ارز تا پایان سال ۹۴ و تسهیل دسترسی به خدمات ارزی استوار است. کاهش نوسانات نرخ ارز منجر به ثبات بیشتر در سطح اقتصادی کلان خواهد شد که در کنار تورم روند کاهشی تورم، پیش‌بینی تحولات آتی اقتصاد کلان را افزایش خواهد داد. بنابراین کاهش نوسانات نرخ ارز، ایجاد شرایط مساعد برای یکسان‌سازی نرخ ارز، حفظ قدرت رقابت بنگاه‌های داخلی و افزایش گستره‌ی خدمات ارزی، رویکردهای اصلی دولت برای تدوین سیاست‌های ارزی را در جهت تسریع فرایند خروج از رکود تشکیل می‌دهند (پایگاه اطلاع‌رسانی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳: ۸-۹). در نتیجه اگر دولت بتواند با تصمیم صحیح، روش مناسبی در خصوص یکسان‌سازی نرخ ارز صورت دهد و تفاوت فاحش مبلغ ارز را خنثی و یا کاهش حداقلی دهد تا حد بسیار بالایی و به دلیل اینکه تفاوت قیمت نرخ ارز بانکی و بازار آزاد وجود نخواهد داشت، سوء استفاده‌کنندگان و مجرمان اقتصادی منفعتی در قبال زمینه‌سازی برای ارتکاب جرایم ارزی در حوزه نظام بانکی به دست نمی‌آورند. از جهاتی، اگرچه هدف دولت برقراری تعادل در نظم کلان اقتصادی کشور است لیکن امکان دارد همین تصمیمات مستقیماً به ایجاد جرایم مرتبط با ارز در نظام بانکی و یا پیشگیری از این جرایم، منجر گردد؛ کما اینکه بسیاری از مجرمان اقتصادی، مورد سوء استفاده از خلغ‌های ایجاد شده از تصمیم‌گیری‌های صورت گرفته هستند.

نظام بانکی

قانون‌گذار در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ تعریفی از نظام بانکی به عمل نیاورده است لیکن می‌توان نظام بانکی را به مجموعه‌ی بانک‌های دولتی، غیردولتی،

خصوصی موجود در کشور و تشکیل شده بر اساس قانون و دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی تعریف نمود که در مجموع یک سیستم یکپارچه جهت تسهیل امور بانکی تشکیل داده و تحت نظارت دولت و مطابق با سیاست‌های پولی و بانکی کشور که هر ساله توسط بانک مرکزی تدوین و اعمال می‌شود، انجام وظیفه می‌نماید. با وجود این باید به نقش بانک‌های خصوصی و بانک‌هایی که قبلاً دولتی بوده و اکنون تبدیل به یک بانک خصوصی شده‌اند نیز توجه نمود. بانک‌های گروه اول یعنی بانک‌های کاملاً خصوصی که از سال ۱۳۸۰ با ایجاد بانک اقتصاد نوین به عنوان اولین بانک خصوصی با مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس و اوراق بهادار تشکیل شدند و گروه دوم، بانک‌هایی همچون تجارت، صادرات، رفاه و ملت که در راستای اصل ۴۴ قانون اساسی و حسب دستور مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و با تشکیل کمیته خصوصی سازی بانک‌ها از ابتدای سال ۱۳۸۶ روند خصوصی سازی این بانک‌ها آغاز شد و به تدریج به بخش خصوصی انتقال پیدا کردند. لیکن در نهایت مجموع همگی این بانک‌ها اعم از دولتی، شبه دولتی و خصوصی سیستم نظام بانکی را تشکیل داده و به اتفاق تحت بخش نامه‌ها و دستورالعمل‌های بانک مرکزی در خصوص تصمیمات راجع به ارزش قرار گرفته و موضوع تحقیق حاضر می‌باشند (جعفری و ثروتی بی‌نیاز، ۱۴۰۱: ۲۳۹).

قلمرو جرم‌انگاری جرایم ارزی در تقسیمات

قلمرو جرم‌انگاری جرایم ارزی در حقوق ایران را می‌توان در دو سطح جرایم بانکی و جرایم ارزی مورد مطالعه و تحلیل قرار داد.

جرایم بانکی

منظور از جرم بانکی، جرایمی است که در محدوده فعالیت بانک‌ها اتفاق می‌افتد، به گونه‌ای که در برخی موارد برخاسته از خود جایگاه نظام بانکی است و یا بعضاً از جرایمی است که در حوزه قلمرو کیفری جرایم بوده و وارد نظام بانکی شده و خواستگاه تعریف آن نیز همان قلمرو کیفری است. جرایمی که در حوزه نظام بانکی، در خصوص جرایم ارزی اتفاق می‌افتد یقیناً در قالب حقوق بانکی بررسی می‌گردد و ویژگی‌ها و عناصر آن در این قالب معنا پیدا می‌کند؛ لیکن جرم در حقوق جزای اختصاصی معنا پیدا نموده و خواستگاه تعریف آن نیز همین جا می‌باشد، لیکن رابطه جرم و حقوق بانکی، ارتباط عموم و خصوص من وجه (نسب اربع) است زیرا برخی از جرایم، در حوزه بانکی اتفاق می‌افتد و برخی از عناصر حقوق بانکی، به جرم تبدیل می‌شود اما همه جرایم در حقوق بانکی نیست و همگی تخلفات حوزه حقوق بانکی نیز جرم نیستند. چه بسا برخی اتفاقات داخل در نظام بانکی در حد تخلف و مشمول حقوق اداری بوده و اصلاً در قلمرو کیفری وارد نمی‌شود. با وجود این، برای درک بهتر جرایم بانکی می‌بایست به قوانین موجود در نظام حقوقی ایران مراجعه نمود که در جای خود، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

جرایم ارزی

جرم ارزی به معنای عملی است که منجر به خروج غیرقانونی ارز از کشور گردد به این معنی که در عملیات سیستم بانکی با ارتکاب جرم یا جرایم متعدد و عمدتاً توأمان، مجرم اقدام به خروج غیرقانونی ارز از طریق سیستم بانکی می‌نماید؛ مانند اینکه با جعل اسناد تجاری که مجوز ارزش کالا و مجوز ورود کالا به کشور می‌باشد و توسط مقامات ذی-صلاح وزارت بازرگانی تأیید می‌گردد و با ارائه آن به شعبه ارزی بانک، توسط مجرم، منجر به خروج غیرقانونی ارز از کشور شود که در نهایت می‌توان از آن به عنوان قاچاق ارز نام برد. بنابراین می‌توان عنوان نمود که قلمرو جرم‌انگاری جرایم ارزی را می‌توان در دو حوزه‌ی جرایم بانکی و جرایم ارزی به معنای خاص مورد مطالعه قرار داد که قلمرو آن در قوانین مختلف، مورد بررسی قرار خواهند گرفت (جعفری و ثروتی بی‌نیاز، ۱۴۰۱: ۲۳۹).

قلمرو جرم‌انگاری جرایم ارزی در قوانین مختلف

لایحه قاچاق کالا و ارز و ریال مصوب ۱۳۸۱

در سال ۱۳۸۱ دولت تصمیم گرفت قوانین پراکنده قاچاق به ویژه قاچاق ارز را به عنوان یکی از مصادیق جرایم ارزی در مسیر قانونی واحدی گرد هم آورد و ایرادات قوانین را نیز برطرف نماید و در اصل، در جرم‌انگاری جرایم ارزی همچون قاچاق ارز به انسجام واحدی دست یابد. اگرچه این تلاش با شکست مواجه شد و کلیات لایحه مربوط، رأی نیاورد. عدم تعریف مشخص از قاچاق در قوانین و مقررات، سبب شد تا در مقدمه توجیهی این لایحه، یکی از انگیزه‌های تدوین لایحه را نبود تعریف جامع از قاچاق در مقررات عنوان نمود. ولیکن قانون‌گذار به جای تعریف عنوان قاچاق، مصادیق آن را در هشت بند ذکر نمود. در حالی که تعریف، غیر از مصداق است و هدف از ارائه تعریف یک جرم، ارائه معیار جهت تشخیص مصادیق آن است (الهام، میرخلیلی و پرهام‌فر، ۱۳۹۳: ۵۷).

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲

در قانون مزبور، تعریف منسجمی از قاچاق اعلام شده است؛ مع الوصف این گونه تعریف نیز مصون از اشکال نیست. در ماده یک این قانون، ذیل عنوان فصل اول (تعاریف، مصادیق و تشکیلات) آمده است:

(اصلاحات زیر در معنای مشروح مربوط به کار می‌روند: الف- قاچاق کالا و ارز: هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون و سایر قوانین، قاچاق محسوب و ورای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشور باشد) این تعریف نیز واجد ایراداتی است. نخست: این تعریف در ذات خود واجد یک

دور نیز هست و قاچاق را شامل ترک فعلی دانسته که در این قانون قاچاق دانسته شده است. ایراد دیگر در عبارت (نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز) است. این عبارت اگرچه در مورد قاچاق صادق است ولی به تمامی مواردی که تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز نقض می‌گردد قاچاق اطلاق نمی‌گردد. بلکه نقض بسیاری از تشریفات تحت عنوان تخلف گمرکی تعریف شده است. در سال‌های اخیر، موضوع محل کشف کالای قاچاق، تردیدهایی را در انتساب عنوان قاچاق به وجود آورده به نحوی که برخی قضات معتقد بودند کالای قاچاق فقط در صورت کشف در مناطق مرزی، قاچاق محسوب می‌شود و کالایی که در داخل کشور کشف شود کالای قاچاق محسوب نمی‌شود. رویه قضایی نیز به مرور زمان این موضوع را تأیید کرد. در حالی که جابه‌جایی کالا از مبادی ورودی (اعم از رسمی یا غیررسمی) به مناطق مرکزی کشور و یا عرضه آن در بازار نمی‌تواند در وصف مجرمانه عمل خلل ایجاد کند. علاوه بر این، محل کشف کالای قاچاق با پولشویی اثباتی است و تعریف جرم قاچاق امری ثبوتی. با توجه به اهمیت این موضوع و برای پیشگیری از سوء تعبیر، مقنن ترجیح داد در تعریف قاچاق به صراحت این موضوع اشاره شود. با توجه به صدور آرای متناقض در خصوص قاچاق و اختلاف بر سر صدق عنوان قاچاق بر کالاهایی که داخل کشور یافت می‌شود، هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۴ رأی وحدت رویه شماره ۶۸۴ را صادر نمود تا بتواند نقطه پایانی بر مسیر تفاسیر مختلف بگذارد. ولی این رأی نیز بر ابهامات افزود (الهام، میرخلیلی و پرهام‌فر، ۱۳۹۳: ۵۷).

در رأی اشاره شده در بالا، دادرس دادگاه انقلاب نائین و شعبه چهارم تجدیدنظر استان، در پرونده‌ای که از یک فرد ۶۷ دستگاه تلفن و ۲۰۰ ساعت کوچک رومیزی کشف شده و فرد قادر به ارائه پروانه گمرکی نبوده است، متفق‌اند این نظر را پذیرفته‌اند که صرف خرید کالا از بازار داخلی و وفور آن در بازار دلیل برائت از اتهام قاچاق نیست. موضوع خرید برای امرار معاش نیز در حقیقت انگیزه وی بود و انگیزه نیز در اثبات مسئولیت بی‌تأثیر است. ولی موضوعی که مورد اتفاق نظر شعبه دادگاه انقلاب و شعبه تجدیدنظر بوده این است که تا هنگامی که فرد اسناد مثبت گمرکی در اختیار نداشته باشد می‌بایست تحت عنوان قاچاقچی یا حامل کالای قاچاق تحت تعقیب قرار گیرد. باید توجه داشت که در این پرونده، میزان کالای مکشوفه نیز تجاری بودن آن را تأیید می‌کند. در پرونده دیگر که از فردی ۲۳۵ عدد ماشین اسباب‌بازی قاچاق کشف شده بود، شعبه‌ی ششم دادگاه تجدیدنظر استان با استناد به دلایل ذیل، دادنامه‌ای مبنی بر محکومیت قاچاق را نقض می‌کند:

نخست) خرید کالا در بازار داخلی (بندرعباس)؛

دوم) وجود اشتباه و نظایر آن در بازار داخلی به حد وفور؛

سوم) جزء کالاهای مجاز است.

نظریه دادستان کل کشور با توجه به استدلال‌های حقوقی مختلف، بر آن است که محل کشف کالای قاچاق، نمی‌تواند باعث زوال عنوان مجرمانه شود: (... بنابراین مراتب به نظر می‌رسد: کالای مکشوفه در داخل کشور که ورود آن مشروط به تحقق شرایطی بود و یا موضوع درآمد دولت بوده ورود یا عرضه آن مستلزم پرداخت حقوق دولتی عمومی است، در صورتی که حامل یا صاحب آن‌ها واردکننده از مبادی ورودی و مجاری قانونی در کشور نباشد، در صورتی که به تشخیص مراجع ذیصلاح، غیرمجاز و یا به تشخیص گمرک دارای جنبه تجاری باشد، مشمول مقررات قاچاق خواهد بود و طبق رأی وحدت رویه شماره ۵ مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور به فرض وجود اشتباه و نظایر آن در بازار داخلی، مغایر ماهیت آن و رافع مسئولیت مرتکب نخواهد بود. خصوصاً اینکه مبارزه با پدیده قاچاق از ارکان سیاست کلی نظام در عرصه اقتصادی بوده و به تصریح منجز بند چهارم فرمان مقام معظم رهبری خطاب به رئیس جمهور وقت در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۲ که مقرر می‌دارد عزم جدی بر این باشد که عمل قاچاق برای قاچاقچی کاملاً برخلاف حرفه و همراه با خطر باشد و جنس قاچاق از پیش، از مبادی ورودی تا محل عرضه آن در بازار، آماج اقدامات گوناگون این مبارزه قرار گیرد و اصلاً قوه قضاییه در مبارزه وظیفه خطیری دارد که ایفای آن وظیفه را وجهه همت خود قرار داده است (الهام، میرخلیلی و پرهام‌فر، ۱۳۹۳: ۵۹).

فلسفه جرم‌انگاری جرایم ارزی

همان‌طور که هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعلی که در قوانین مختلف، بدان جرم اطلاق می‌گردد و دارای مجازات نیز می‌باشد را می‌توان رفتاری برخلاف نظم اجتماعی عنوان نمود، جرایم ارزی نیز، از این امر مستثنی نمی‌باشند و جرایم ارزی از جمله جرایم بر علیه امنیت اقتصادی کشور به شمار می‌روند.

مطالعه فلسفه جرم‌انگاری و آثار ارتکاب «جرایم ارزی» در امنیت نظام اقتصادی به دلیل تأثیرگذاری مستقیم بر منابع ارزی کشور و در نتیجه، تحت تأثیر قرار دادن نرخ ارز، بسیار اهمیت دارد. بر همین اساس، ارتکاب انواع گوناگون جرایم ارزی را در وضعیتی خاص باید جرم علیه «امنیت اقتصادی» کشور دانست که قانون‌گذار نیز، برخی از مصادیق آن را احراز و مجازات سنگین‌تری، از جمله پنج تا بیست سال حبس، برای آن مقرر کرده است. اخلال در نظام ارزی و جرم ارزی منجر به اخلال در نظام صادراتی کشور، از اهم مصادیق این نوع از جرایم است، ولی مقنن در وضعیتی خاص، با اتخاذ سیاست کیفری سخت‌گیرانه، به تشدید مجازات روی آورده است و برخی از گونه‌های این نوع از جرایم را مصداق جرم حدی «افساد فی الارض» تلقی کرده و مرتکب آن را مستحق اعدام، که شدیدترین مجازات در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران می‌باشد، دانسته است. افساد فی الارض از طریق اخلال در نظام ارزی کشور، قاچاق عمده‌ی ارز، سوء استفاده از عواید حاصل از قاچاق ارز به منظور تأمین مالی تروریسم، جعل ارز و واردات ارز جعلی از این

قبیل است. با این حال، شایان توجه است که قانون‌گذار ایران در دوره‌های مختلف، سیاست‌های کیفری گوناگونی را در قبال این دسته از جرایم به کار برده است. پس از اعمال سیاست کیفری سخت‌گیرانه در دوره‌های نخست قانون‌گذاری، به تعدیل سیاست خود روی آورده و بار دیگر به سیاست کیفری مشدّد بازگشته است؛ ولی وجه مشترک بیشتر دوره‌های تقنینی در ایران، وابستگی سیاست کیفری در قبال جرایم ارزی به سیاست‌های دولتی بوده است (مجاهد، ۱۳۹۵: ۵). با وجود این ماهیت جرایم ارزی را می‌توان جزء جرایم اقتصادی عنوان نمود و فلسفه‌ی جرم‌انگاری آن را مصلحت نظام و عامه‌ی مردم می‌توان بیان داشت.

روش‌های پیشگیری از جرایم ارزی

پیشگیری از جرایم ارزی، روش‌های مختلفی دارد که در یک تقسیم‌بندی به پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالثه و در یک تقسیم‌بندی دیگر به پیشگیری قضایی، کیفری، وضعی، جامعه‌ی و رشدمدار تقسیم‌بندی می‌گردند که ذیلاً در قسمت‌های مختلفی بدان اشاره خواهد شد.

الف) پیشگیری اولیه^۱، ثانویه^۲ و ثالثه^۳:

هیوز^۴ این تقسیم‌بندی را متعلق به جرم‌شناسان آمریکای شمالی می‌داند که بر اساس مدل اپیدمیولوژی^۵ پزشکی طراحی شده است.

۱- پیشگیری اولیه:

در پیشگیری اولیه که لزوماً مخاطبان آن مجرمان جرایم ارزی نبوده، بلکه عموم مردم‌اند هدف اصلی از بین بردن فرصت‌های ارتکاب جرم است. در این گونه پیشگیری از طریق طراحی فعالانه تدابیر مناسب و تقویت توانایی‌های درونی افراد و یا اصلاح متغیرهای خارجی به افراد فرصت داده می‌شود تا رفتارهایی را در پیش گیرند که در شرایط حال و آینده برای آنان مفید است (مهدوی، ۱۳۸۶: ۱۹۹). بنابراین باید افراد را در شرایط عادی تحت آموزش مستقیم و غیرمستقیم قرار داد و آنان را با نتایج زیان‌بار افعال که ممکن است در هر یک از شرایط فوق عارض گردد، آشنا ساخت تا از ارتکاب جرم خودداری کنند. این نوع از پیشگیری مشتمل بر اقداماتی است که موجب از بین بردن یا کاهش دادن فرصت‌های مجرمانه می‌شود و یا از به وجود آمدن آن‌ها جلوگیری می‌کند، بدون اینکه به جرم یا مجرم خاصی توجه داشته باشد و قبل از اینکه هیچ‌گونه علائم و نشانه‌هایی از

^۱Primary Prevention

^۲Secondary Prevention

^۳Tertiary Prevention

^۴Hughes

^۵Epidemiology

بزهکاری بروز کرده باشد. این روش اغلب تمایل به تفسیر اوضاع و احوال و شرایط جرم-زای محیط فیزیکی و اجتماعی دارد (یعنی بهبود شرایط زندگی). در این روش، تأکید بر ممانعت از وقوع عمل مجرمانه است تا تأثیرگذاری بر خود مجرم. به همین دلیل شیوه‌های پیشنهادی در این نوع پیشگیری با شیوه‌هایی که در پیشگیری وضعی توصیه می‌شود، شباهت زیادی دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۱۳۸). برای مثال در این نوع پیشگیری، جرایم ارزی شناسایی می‌گردند و به افراد از طریق تدوین و تصویب قانون، آموزش داده می‌شود که مصادیق جرایم ارزی مواردی است که قانون معین نموده و تخطی از آن جرم است و دارای مجازات است.

۲- پیشگیری ثانویه:

به مداخله در مورد افرادی می‌پردازد که در معرض خطر خارج شدن از مسیر مثبت زندگی قرار دارند؛ هنگامی که بررسی ویژگی‌های شخصی و وضعیت دموگرافیک فرد حاکی از آن باشد که وی در معرض خطر بزهکاری قرار دارد، اقدامات پیشگیری ثانویه برای رفع شرایط خطر و بازگرداندن وی به میسر مثبت زندگی به کار گرفته می‌شود (خسروشاهی، ۱۳۸۲: ۵۹). از آنجا که موضوع پیشگیری ثانویه مداخله در شرایط خطر است نسبت به اقدامات پیشگیری اولیه از اولویت و فوریت بیشتری برخوردار است، با وجود ایت پیشگیری ثانویه، مجموعه تدابیر و اقداماتی است که در مورد بزهکاران و بزه‌دیدگان بالقوه (در جرایم ارزی و غیر آن) یعنی کسانی اعمال می‌شود که وضعیت خاص آنان، آن‌ها را بیشتر از سایرین در معرض خطر بزهکاری یا بزه‌دیدگی قرار می‌دهد (مهدوی، ۱۳۹۱: ۲۴). در این نوع پیشگیری نیز می‌توان، افرادی که در معرض خطر ارتکاب جرایم ارزی قرار دارند را شناسایی نمود و مسیر صحیح زندگی را با توجه به اقدامات قانونی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد پیش‌بینی و اجرا قرار داد.

۳- پیشگیری ثالثه:

مداخلات پیشگیرانه سطح سوم در موقعیت‌هایی صورت می‌گیرد که فرد از مرحله خطر عبور کرده و وارد مرحله بزهکاری شده است و لذا این اقدامات به منظور قطع روند بزهکاری، جلوگیری از حرفه‌ای شدن مجرم و کاستن از جدیت بزهکاری صورت می‌گیرد. با توجه به ماهیت مداخلات پیشگیرانه سطح سوم و جمعیت هدف آن‌ها، معمولاً این مداخلات در مجموعه‌هایی مشخص مانند مراکز درمانی، کلینیک‌های بهداشت روانی و یا دفاتر مشاوره انجام می‌شود (مهدوی، ۱۳۹۱: ۲۰۲). تفاوت پیشگیری سطح اول و سطح دوم با پیشگیری سطح سوم آن است که پیشگیری‌های سطح اول و دوم با توجه به ماهیت اقدامات و جمعیت هدف گروه یا جمعیت محور است و در جرم‌شناسی پیشگیری مورد بحث قرار می‌گیرد. لیکن پیشگیری سطح سوم بیشتر به افراد و موقعیت آنان در گروه توجه داشته و از مباحث جرم‌شناسی بالینی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۷۵۰). بنابراین

پیشگیری ثالث به مجموعه تدابیر و اقداماتی اطلاق می‌شود که برای جلوگیری از تکرار بزهکاری یا بزه‌دیدگی در مورد بزهکاران یا بزه‌دیدگان جرایم ارزی سابق اعمال می‌شود. تدابیر پیشگیرانه‌ی مربوط به بازتوانی بزهکاران یا اشتغال و ساماندهی آنان در جامعه و همچنین اقدامات پیشگیرانه‌ی مربوط به پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی در جرایم ارزی، از نمونه‌های قابل ذکر در این مقوله می‌باشند.

ب) پیشگیری قضایی و کیفری، وضعی، جامعه‌ی و رشدمدار:

۱- پیشگیری قضایی و کیفری:

این نوع پیشگیری که با به کارگیری ابزارهای حقوق کیفری اعمال می‌شود از طریق ارباب، ناتوان‌سازی و بازپروری به پیشگیری از ارتکاب جرم در جرایم ارزی می‌پردازد. پیشگیری قضایی یا کیفری تداعی‌بخش گام‌های آغازین در تاریخ حقوق کیفری است که با استفاده از خصوصیات اربابی و بازدارندگی مجازات در پی مقابله با جرم و پیشگیری در سطح فردی و جمعی بوده است. با توجه به بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان» را از وظایف قوه قضاییه قرار داده است، بند «ب» ماده یک قانون پیشگیری از جرم را می‌توان نمونه‌ای از این رویکرد ذکر نمود. به موجب این بند «پیشگیری قضایی عبارت است از تدابیر و اقدام‌های دستگاه قضایی در خصوص اصلاح مجرمان و استفاده مناسب از قرارهای تأمینی و ضمانت اجراها و جلب اعتماد عمومی نسبت به نهادهای عدالت کیفری.» این نوع پیشگیری بعد از ارتکاب جرم صورت می‌گیرد و هدف آن جلوگیری از تکرار جرم در جرایم ارزی در آینده است (مهدوی، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۶). با وجود این، در این نوع پیشگیری، اصل قانون‌گرایی از اهمیت اساسی برخوردار است؛ قوانینی همچون قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و جرم‌انگاری قاچاق ارز در قانون مزبور را می‌توان از جمله‌ی پیشگیری‌های قضایی و کیفری در راستای موضوع جرایم ارزی عنوان نمود.

۲- پیشگیری وضعی:

پیشگیری وضعی، نوعی از پیشگیری غیرکیفری یا کنشی است که تأکید بر وضعیت و موقعیت، زمان و مکان وقوع جرم دارد؛ به گونه‌ای که ارتکاب جرم برای بزهکار سخت‌تر می‌شود یا فرصت ارتکاب جرم از وی گرفته می‌شود و یا خطر شناسایی و دستگیری وی را افزایش می‌دهد. این اقدامات مقدم بر وقوع جرم است؛ بنابراین پیش‌بینی نیز نامیده می‌شود. این اقدامات ممکن است ناظر به وظایف و تکالیف نهادهای پلیسی باشد. این نوع از پیشگیری وضعی، پیشگیری انتظامی یا پلیسی نامیده می‌شود (مانند حضور پلیس در جامعه از طریق گشت‌های سیار، پاسگاه‌ها، کلاتری‌ها و نظایر آن‌ها، استفاده از تجهیزات فنی نظیر دوربین مداربسته در اماکن عمومی، انگشت‌نگاری اجباری در فرودگاه‌ها و ترمینال‌های مسافربری و ایجاد پست‌های ایست و بازرسی سیار در گلوگاه‌ها). با وجود این،

منظور از پیشگیری وضعی در این تقسیم‌بندی همانند سایر تعاریف و تقسیم‌بندی‌ها، مداخلاتی است که برای جلوگیری از وقوع جرم به ویژه از طریق کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و افزایش خطر ارتکاب جرم طراحی شده است. در تعاریف مختلفی که درباره پیشگیری وضعی از جرم ارائه شده‌اند، دو رکن اساسی در پیشگیری وضعی دیده می‌شود، دشوار کردن و کاهش امکان ارتکاب جرم و از بین بردن جذابیت‌های جرم که محرک فرد به ارتکاب جرم است. فرینگتون و ولش^۱ در تعریفی مختصر ارکان اساسی پیشگیری وضعی یا موقعیت‌مدار را این‌گونه بیان کرده‌اند؛ «پیشگیری وضعی به مداخلاتی اشاره دارد که برای جلوگیری از وقوع جرم از طریق کاهش فرصت‌ها و افزایش خطر و دشواری ارتکاب جرم، طراحی شده‌اند» (مهدوی، ۱۳۹۱: ۲۶).

۳- پیشگیری جامعوی:

پیشگیری جامعوی یا جامعه‌مدار، مداخلات و اقداماتی است که برای تغییر در شرایط جامعه که بر بزهکاری در جوامع تأثیر می‌گذارند طراحی شده‌اند. از این دیدگاه تاریکی یا روشنایی معابر، شلوغی و ازدحام جمعیت، نارسایی خدمات عمومی، کمبود مسکن، حاشیه‌نشینی و دشواری‌های حمل و نقل بزهکاری تأثیر می‌گذارند و برخی از اماکن شهری به سبب وجود ساخت کالبدی از ظرفیت جنایی بالایی برخوردارند. این نوع پیشگیری با شناسایی مکان‌های وقوع جرم و ویژگی‌های ساختاری جوامع و اصلاح آن‌ها صورت می‌گیرد (کلانتری، ربانی و صداقت، ۱۳۸۴: ۴۵-۴۶). پیشگیری اجتماعی، ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی است که منجر به اصلاح جامعه و فرد و منجر به جلوگیری از جرم به صورت همیشگی و پایدار می‌شود. پیشگیری اجتماعی نتایج مثبتی داشته است؛ حال می‌توان بیان نمود که پیشگیری جامعه‌مدار به عنوان یکی از مصادیق پیشگیری اجتماعی، آن است که اگر در محیط، عوامل جرم‌زا وجود داشت آنجا را خنثی سازیم (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

کلاهبرداری ارز دیجیتال

رشد رشد بلاک چین و فضای ارزهای دیجیتال بسیار جذاب است. نوآوری‌های فنی و الگوهای جدید معاملاتی به سرعت در حال پیشرفت و تکامل هستند و همچنان جمعیت کثیری را به خود جذب می‌کنند. با این حال، این فضا مورد سوءاستفاده و کلاهبرداری بسیاری نیز قرار گرفته است. طی چند سال اخیر، بسیاری افراد به واسطه ارزهای دیجیتال مختلف میلیونر شده‌اند و سپس، برای افراد دیگری که قصد دارند در آینده روی این فناوری سرمایه‌گذاری کنند، کسب و کارهای سودآوری به وجود آورده‌اند. اما، این رشد ارزش و پذیرش ارزهای دیجیتال توسط کسب و کارهای مختلف، پیامدهایی نیز به همراه

^۱. Frington & Welch

داشته است. در حالی که افرادی با نیت‌های خوب به دنبال سرمایه‌گذاری و احتمالاً سودآوری هستند و قصد دارند بخشی از دنیای آتی پول را شکل دهند، افرادی نیز با سوءنیت قصد فریب سرمایه‌گذاران بازار را دارند.

سرمایه‌گذاران بالقوه اغلب به دلیل افزایش مداوم تعداد موارد سرقت و کلاهبرداری ارزش‌های دیجیتال، از سرمایه‌گذاری در این صنعت روبرو شد اجتناب می‌کنند. سرمایه‌گذاران کارکشته بازارهای دیگر نیز چندان تمایلی به سرمایه‌گذاری روی صنعت ارزش‌های دیجیتال ندارند.

متأسفانه در کشورهایی مانند ایران که اقتصاد تضعیف شده دارند، این کلاهبرداری‌ها بسیار بیشتر به چشم می‌خورند. در حقیقت وعده سودهای نجومی از طرف طرح‌های کلاهبرداری و وضعیت بد اقتصادی دست به دست هم داده‌اند و تعداد زیادی از مردم ایران را به دام خود کشانده‌اند. همچنین از آنجا که تراکنش‌های ارزش‌های دیجیتال ناشناس یا نیمه‌ناشناس هستند و به سهولت انجام می‌شوند، پیگیری قضایی این جرائم بسیار دشوار است و این امر موجب تقویت کلاهبرداری شده است.

کلاهبرداری ارز دیجیتال به فرایند پیچیده سوءاستفاده از افراد یا سازمان‌ها به منظور به سرقت بردن دارایی‌های ارزشمند آنان گفته می‌شود. بسته به نوع کلاهبرداری، این دارایی‌ها ممکن است شامل پول، ارزش‌های دیجیتال، کلیدهای خصوصی یا حتی قدرت محاسباتی دستگاه‌های کاربران باشد. کلاهبرداری در بازار ارز دیجیتال بسیار گسترده است.

رمزارها گونه غیرمتمرکز از ارزش‌های دیجیتالی می‌باشند که با فناوری جدیدی ارائه شده‌اند. شناسایی ماهیت رمزارها رابطه تنگاتنگی با بازشناسی ساختار فنی هریک از اقسام آن دارد. لذا ارائه ماهیتی واحد با وجود اقسام متنوع، امکان‌پذیر نبوده و قابل ایراد است. رمزارها گونه‌ای از اموال غیرمادی و یا در صورت توسعه و تسری مفهوم عین به اموال ناملموس، از اعیان محسوب شده که دارای مالیت عرفی و شرعی نیز می‌باشند. رمزارها اگرچه از لحاظ تئوریک و مبانی حقوقی و اقتصادی می‌توانند کارکردهای پول را ایفا نمایند و به عنوان واسطه مبادله در میان مردم جهان نیز پذیرفته شده‌اند لکن بر اساس قوانین پولی، جهت صدق عنوان پول، نیازمند شناسایی دولت‌ها نیز می‌باشند؛ برخی از انواع رمزارها همچون رمزارهای ملی به واسطه خلق توسط کشورها از این شناسایی برخوردار هستند لکن سایر اقسام آن، تازمانی که در قوانین به رسمیت شناخته نشوند، پول تلقی نشده و صرفاً یک دارایی دیجیتال محسوب می‌شوند. گونه دیگری از انواع رمزارها یعنی توکن‌های صادره در عرضه اولیه سکه نیز با مفهوم اوراق بهادار تطبیق داده می‌شوند. در خصوص مسائل حقوقی مرتبط با رمزارها از جمله ماهیت آن‌ها تاکنون چندین مصوبه و آیین‌نامه از ارگان‌های مختلف صادر شده لکن این متون قانونی غالباً ناقص بوده و خارج

از حدود اختیارات تدوین شده است، لذا ورود مرجع رسمی قانون‌گذاری کشور به مسائل این حوزه و تدوین قانون جامع و کامل ضرورت دارد. (خدمان و همکاران، ۱۴۰۰)

بحث و نتیجه‌گیری

با وجود ویژگی‌های مثبت رمزارزهای جهانی نظیر دور زدن تحریم‌های ظالمانه، کاهش بوروکراسی، پیاده‌سازی دولت الکترونیک و جایگزینی به عنوان ارز بین‌المللی در مبادلات، به نظر می‌رسد استفاده از رمزارزها به علت نبود امکان شناسایی و کشف هویت مبادلات در برخی از انواع آن، همچنین شناسایی غیرصحيح و غیرکامل مردم و کاربران با این فناوری نوظهور، موجب افزایش سرعت و تسهیل ارتکاب جرایمی چون کلاهبرداری و پولشویی می‌شود. بنابراین بکارگیری تدابیر پیشگیرانه برای جلوگیری از وقوع این جرایم، ضروری است.

در حقوق ایران، جرایم ارزی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند و در زمینه‌ی جرایم ارزی، قاچاق ارز و... مواد مختلفی در قوانین خاص و عام مورد توجه و تقنین قانونگذار قرار گرفته است. از این رو در پژوهش حاضر، بررسی شد که جرایم ارزی دارای مجازات مقرر قانونی است؛ با این حال، از آنجا که جرایم ارزی می‌تواند ناشی از تعاملات بین‌المللی باشد که الزاماً در قلمرو یک کشور حادث نمی‌شود، نظام‌های بین‌المللی و تنوع آن از نظر قومیت، مذهب، زبان و... تمایزات خاصی در سیاست‌های تقنینی به وجود آورده است. مفهوم احصای جرایم ارزی در ادبیات حقوق بین‌الملل، تفسیر واحدی ندارد و در کشورهای مختلف، تفاسیر مختلفی از این مفهوم وجود دارد و ممکن است در جاهای مختلف، تفسیر واحد وجود داشته باشد. فلذا مفهوم عناصر متشکله جرم در این بحث بیش از آنکه مفهومی بین‌المللی داشته باشد مفهومی انتزاعی داشته که بستگی به سیاست‌های تقنینی جرایم اقتصادی در حوزه بانکداری داخلی دارد. جرایمی که در حوزه نظام بانکی در خصوص جرایم ارزی اتفاق می‌افتد یقیناً در قالب حقوق بانکی بررسی می‌گردد و ویژگی‌ها و عناصر آن در این قالب معنا پیدا می‌کند. لیکن جرم در حقوق جزای اختصاصی معنا پیدا نموده و خواستگاه تعریف آن نیز همین جا می‌باشد. جرم ارزی که مفاد آن خروج غرقانونی ارز از کشور می‌باشد به این معنی است که مرتکب یا مرتکبین با ارتکاب جرایمی مانند جعل و... بعضاً توأمان با ارتکاب تخلف پرسنل بانکی در نهایت مرتکب قاچاق ارز می‌شوند و قاچاق ارز در این تعریف عبارت از اقدام به خارج نمودن ارز از کشور یا حواله کردن آن به خارج کشور و همچنین اقدام به خرید و فروش ارز و حمل و حواله آن برای خروج از کشور، خارج از سیستم بانکی و صرافی‌های مجاز و بدون رعایت مقررات بانک مرکزی می‌باشد؛ از این رو در رابطه با جرایم ارزی در حقوق ایران، راه‌های پیشگیری مختلفی مورد ارزیابی و مطالعه قرار گرفت که از جمله‌ی آن‌ها را می‌توان پیشگیری اولیه، ثانویه، ثالثه، قضایی یا کیفری، وضعی و جامعوی عنوان نمود که هر یک از موارد فوق، شیوه‌های مختلفی را در راستای پیشگیری از جرایم ارزی ارائه نمودند.

پیشنهادات پژوهش

پیشنهادهایی در هر دو حوزه پیشگیری از وقوع جرایم کلاهبرداری و پولشویی در راستای استفاده از رمزارزهای جهانی ارائه می‌شود:

- محدودیت و فیلترینگ سایت‌های مشکوک به پولشویی و کلاهبرداری؛
- به رسمیت شناختن برخی از صرافی‌های رمزارزها و استفاده از مدارک شناسایی هویت افرادی که مبادرت به انتقال رمزارزهای جهانی می‌کنند تا در صورت وقوع جرم از مدارک و سوابق تراکنش‌ها به مرتکبان دسترسی پیدا شود. ناگفته نماند که چنین راهکاری در راستای پیشگیری از جرایم یاد شده در رابطه با رمزارز ملی در سند بانک مرکزی گنجانده شده است.

منابع

- بروجردی عبده، محمد (۱۳۸۶)، *اصول قضایی*، تهران: علمی .
- پایگاه اطلاع‌رسانی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳). *ستاد هماهنگی امور اقتصادی دولت، سیاست دولت برای خروج غیرتورمی از رکود طی سال‌های ۹۴-۹۳، ۸-۹*.
- پرادل، ژان (۱۳۸۱)، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، مترجم، نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تهران: سمت .
- پی. فلچر، جورج (۱۳۸۴). *مفاهیم بنیادین حقوق کیفری*، ترجمه‌ی سیدمهدی سیدزاده ثانی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ هجدهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
- ساکي، محمدرضا (۱۳۹۰). *حقوق کیفری اقتصادی*، تهران: جنگل.
- ساواری، پرویز و پورمسجدیان، فاطمه (۱۳۹۳). *تبیین ماهیت حقوقی و اختلافات نام دامنه‌های اینترنتی. دانشنامه حقوق و سیاست*، ۱۰(۲۲)، ۱۴۹-۱۸۴.
- عمید، حسن (۱۳۵۸). *فرهنگ عمید*. تهران: امیرکبیر.
- محمودی، اصغر (۱۳۹۸). *تحلیل ارزشهای مجازی در پرتو فقه، فصلنامه‌ی مطالعات حقوق خصوصی*، سال چهل و نهم، شماره ۳.
- نواب‌پور، علیرضا؛ یوسفی، احمدعلی و طالبی، محمد (۱۳۹۷). *تحلیل فقهی کارکردهای پول‌های رمزنگاری شده (مطالعه موردی بیت کوین)*، *فصلنامه‌ی اقتصادی اسلامی*، سال هجدهم، شماره ۷۲.
- نوربهاء، رضا (۱۳۹۶). *زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، تجدیدنظر شده توسط عباس شیری*، چاپ اول، تهران: انتشارات نشر میزان.
- نوری، مهدی و نواب‌پور، علیرضا (۱۳۹۷). *طراحی چارچوب مفهومی سیاست‌گذاری ارزشهای مجازی در اقتصاد ایران. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه تهران*، ۳(۴)، ۵۱-۷۸.

نوری، مهدی و نواب پور، علیرضا (۱۳۹۷). *مقدمه‌ای بر تنظیم‌گر رمزینه ارزها در اقتصاد ایران*. تهران: دفتر مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی.

نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۹). پاسخ‌های عدالت کیفری ایران، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۵ (۱۴)، ۷۷-۵۵.

نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۳). اساسی‌سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران. *مجله پژوهش حقوق کیفری*، ۲ (۶)، ۹۱-۱۱۲.

نیکو منظری، امین و محسنی، فرید (۱۳۹۶). نقد رویکرد قانون‌گذار کیفری ایران در نحوه‌ی انتساب رفتار مجرمانه به اشخاص حقوقی، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال هشتم، شماره دوم (پیاپی ۱۶)، ۲۳۳-۲۵۸.

ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۲). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، چاپ اول، تهران: خورشید.

الهام، غلامحسین؛ میرخلیلی، سید محمود؛ پرهام فر، امیر محمد؛ چالش‌های تعریف جرم قاچاق در نظام حقوقی ایران، *دیدگاه‌های حقوق قضایی زمستان ۱۳۹۳* - شماره ۶۸ رتبه علمی - پژوهشی (وزارت علوم/۳۲) ISC صفحه - از ۴۷ تا ۷۸

یکرنگی، محمد و عالی‌پور، حسن (۱۳۹۴). معیار علم به وقوع نتیجه در حقوق کیفری ایران با رویکردی تطبیقی به حقوق انگلستان و فقه امامیه، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، شماره ۲ و ۳، ۱۵۵-۱۶۹.